

دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۱۸ خدا برای ما می‌جنگد، جنگ مقدس

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۸، خدا برای ما می‌جنگد، جنگ مقدس است.

اکنون به یکی از پادشاهان برجسته‌ای که در کتاب مقدس درباره او می‌شنویم، می‌رسیم.

این پادشاه یهوشافاط است. پادشاه یهوشافاط در تواریخ به عنوان پادشاهی که به شیوه‌ای منحصر به فرد نشان داد که خداوند پیروز جنگ است و جنگ با قدرت ارتش‌های خود به پیروزی نمی‌رسد، بسیار مثبت معرفی شده است. حال، داستان یهوشافاط، آنطور که ما در کتاب پادشاهان می‌شناسیم، ارتباط بسیار بیشتری با رابطه او با اخاب دارد، اینکه او در برخی از جنگ‌های اخاب علیه آرامی‌ها متحد او بود و از طریق تمام آن جنگ‌ها بود که اخاب به داوری نهایی خود رسید.

اما در تواریخ، نکته این نیست. در تواریخ، بلکه، به مفهوم جنگ مقدس می‌رسیم. جنگ مقدس در تواریخ، جنگی است که در آن خدا برای ما می‌جنگد.

حال، باید به این نکته بسیار بسیار با دقت توجه کنیم، زیرا جنگ مقدس در بافت ما و به ویژه در بافت اسلامی این روزها، جنگی است که در آن من برای خدا می‌جنگم و بنابراین جانم را در جنگ برای خدا فدا می‌کنم. اما این با مفهوم مسیحی آن بسیار متفاوت است. شما نمی‌توانید کاری برای خدا انجام دهید که به خدا کمک کند.

بلکه، این خداست که می‌تواند برای شما کاری انجام دهد. و بنابراین، این نکته به برجسته‌ترین شکل در داستان زندگی یهوشافاط نشان داده شده است. سلطنت یهوشافاط در روایت وقایع‌نگار به مثبت‌ترین شکل ممکن آغاز می‌شود.

او در مورد نحوه رهبری یهوشافاط در آموزش تورات به ما می‌گوید. بنابراین این به این معنی است که بخشی از آموزه‌های موسی موجود است. این آموزه‌ها به صورت مکتوب وجود دارند و آنها می‌دانند که در مورد پرستش خدا چه کاری باید انجام دهند و در مورد روابط جامعه چه کاری باید انجام دهند.

علاوه بر این، ما خوبی یهوشافاط را در توانایی او در تقویت شهرها و آماده‌سازی برای دفاع می‌بینیم. اینجا دوباره جایی است که ما چیزی از آن تنش را می‌بینیم. تکیه بر خدا برای پیروزی در نبردها به این معنی نیست که شما کارهای عملی انسانی مانند مراقبت از خود و تقویت شهرهای خود و آگاه بودن از وجود دشمن را انجام ندهید و دشمن باید بداند که شما آماده هستید تا آنها نتوانند به سادگی تصرف کنند.

و البته، وقایع‌نگار به جمع‌آوری خراج توسط یهوشافاط و نحوه حمایت او از تمام این پروژه‌های پادشاهی‌اش اشاره می‌کند. حال، در تواریخ به آنچه در کتاب پادشاهان بسیار برجسته است، یعنی اتحاد او با اخاب، می‌رسیم. حال اخاب را به یاد می‌آوریم، به خصوص در رابطه با ایزابل و درگیری که با الیاس داشتند.

ایزابل مصمم بود که تمام اسرائیل بعل را پرستش کنند، و پیامبران خدا و پیامبران یهوه همگی به قتل رسیدند، به جز معدود کسانی مانند الیاس و چند نفر دیگر که موفق به پنهان شدن و فرار شدند. راموت-جلعاد

همانطور که از نامش پیداست، یک استحکامات اسرائیلی در سمت شرقی اردن در جلعاد و در امتداد رودخانه یبوق بود که قبلاً در نقشه دیده‌ایم. و البته، سمت شرقی رودخانه اردن همیشه در معرض تهدید آرامی‌ها بود.

آرامی‌ها در دمشق تسلط داشتند و همیشه قلمرو خود را از دمشق در امتداد ضلع شرقی دریای جلیل و به سمت رودخانه یرموک و سپس فراتر از آن به سمت رودخانه یبوق گسترش می‌دادند. و بنابراین، در این مورد، آرامی‌ها راموت-جلعاد را تصرف کرده بودند، که مشخصاً شهری بود که قرار بود به اسرائیل در تپه‌های جلعاد تعلق داشته باشد. اکنون ما در آنجا درگیری بین الیاس و انبیای اخاب را به یاد می‌آوریم.

انبیای اخاب همگی می‌گفتند که باید به راموت-جلعاد بروید و پیروزی نصیبتان خواهد شد، که البته اینطور نشد. اخاب خیلی ترسیده بود و می‌دانست که ممکن است نتیجه‌اش این باشد. خب، داستان اینکه اخاب چگونه خود را پنهان کرد را به یاد دارید. معمولاً پادشاه جنگجوی اصلی است.

او کسی است که به وضوح حضور دارد. او الهام‌بخش دیگر سربازان است تا به جنگ خود ادامه دهند و به مبارزه ادامه دهند. اما اخاب می‌ترسید که اگر آنقدر برجسته باشد، ممکن است هدف قرار گیرد.

بنابراین، او درخواست کرد که او را مبدل کنند و به عنوان پادشاه شناخته نشوند، و یهوشافاط کسی بود که قرار بود افشا شود. اما این برای اخاب خوب پیش نرفت زیرا کلام پیامبر حقیقی بسیار درست بود. اخاب حتی به عنوان یک سرباز معمولی، در نبرد حتی به طور تصادفی با تیر کشته می‌شد.

بنابراین، ما داستان مرگ اخاب را داریم، اما در اینجا هشدار حننیا را نیز داریم، زیرا، البته، یهوشافاط واقعاً در اینجا به شیوه‌ای کاملاً نامناسب عمل می‌کرد. او به عنوان متحد اخاب خدمت می‌کرد و به عنوان متحدی برای شکست دادن آرامی‌ها، با قدرت ارتش‌های انسانی، خدمت می‌کرد. اما یهوشافاط از نظر سلطنت خود و حکومت خود در یهودا مثبت است و به ما گفته شده است که چگونه اصلاحات قضایی را در پادشاهی خود اعمال می‌کند.

ما در مورد اینکه چگونه لایوان یکی از وظایفشان قضاوت است صحبت کرده‌ایم، و بنابراین شهرهای مستحکم بدون شک بسیاری از آنها شهرهای لایوان بودند، و یهوشافاط داوران را منصوب می‌کند تا تورات یهوه به روشی که باید اجرا و دنبال شود. و یهوشافاط خطبه خود را در مورد اینکه چگونه به عنوان شهروندان، باید به پادشاه خود وفادار باشند، باید به جامعه وفادار باشند و باید به خدا وفادار باشند، ایراد می‌کند. بنابراین، آنچه در پایان سلطنت یهوشافاط اتفاق می‌افتد این است که او با چالش دیگری روبرو می‌شود.

این یک چالش برای جنوب است. چالش برای شمال در واقع مسئله اخاب بود و در کتاب پادشاهان می‌بینیم که این روشی بود که اخاب دوباره به خاطر تمام گناهانش در پادشاهی خودش، به ویژه در مورد تاکستان نابوت و دزدیدن اموال موروئی یک مرد که قرار بود برای همیشه در خانواده‌اش باشد، قضاوت شد. بنابراین، یهوشافاط به عنوان یک دستیار و به عنوان یک متحد در آنجا نقش دارد.

نه مثبت، نه خوب، اما به گفته‌ی وقایع‌نگار، سلطنت او به شکلی بسیار مثبت پایان می‌یابد. اکنون موآب و عمون در شرق بودند و علیه یهوشافاط متحد شده بودند. پادشاهی‌های بسیار قدرتمندی که بسیار آزاردهنده هستند.

بنابراین، ما مرثیه یهوشافاط را داریم، و این دقیقاً همان چیزی است که وقایع‌نگار می‌گوید. شما باید خداوند را بجوید، و این دقیقاً همان کاری است که یهوشافاط انجام می‌دهد. او می‌گوید این لشکرها وجود دارند، و پروردگارا، ما تو را می‌جوئیم.

در رابطه با این تهدید علیه ملت و پادشاهی خود چه کاری می‌خواهید انجام دهید؟ و در اینجا ما یک پیامبر به نام حزقیال داریم که می‌گوید نبرد متعلق به خداست. این چیزی است که ما آن را جنگ مقدس می‌نامیم. خدا کسی است که برای شما خواهد جنگید.

بنابراین، در اینجا روشی را می‌بینیم که یهوشافاط برای نبرد آماده می‌شود. او این کار را نه با گردآوری سربازان، بلکه با گردآوری لایوان انجام می‌دهد. و لایوان و کاهنانی هستند که این گروه بزرگ حرفه‌ای و لایوانی را تشکیل داده‌اند.

البته، این به خودی خود چیز غیرمعمولی نیست. موسیقی در واقع اغلب در جنگ از نظر هدایت سربازان و هدایت مسیر نبرد نقش دارد. اما روشی که یهوشافاط این کار را انجام می‌دهد، کاملاً برای معرفی خدا به عنوان فرمانده ارتش است.

بنابراین در اینجا لایوان و این گروه کر را می‌بینید که به سمت ادوم می‌روند تا با مواب و عمون بجنگند. به نظر می‌رسد که این یک اتفاق بسیار غیرمعمول است. اما البته، همانطور که وقایع‌نگار داستان را ارائه می‌دهد، آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که ارتش‌ها بر اساس درگیری‌های خودشان، خود را شکست می‌دهند و یهوشافاط کسی است که این واقعیت را نشان می‌دهد که توکل به خدا و جستجوی خداوند، راهی است که ما را به پیروزی می‌رساند.

بنابراین، این احتمالاً یکی از نمونه‌های بارز جنگ خدا برای ماست. می‌توانیم به اریحا و بنی‌اسرائیل که اریحا را محاصره کرده بودند و کاهنانی که با تابوت عهد در اطراف اریحا رژه می‌رفتند، برگردیم. این قطعاً نمونه بارزی از جنگ خدا برای ماست.

و سپس، وقتی روز آخر فرا می‌رسد، و آنها فریاد می‌زنند، دیوارها فرو می‌ریزند، و شهر در برابر بنی‌اسرائیل آسیب‌پذیر می‌شود. این بدون شک نمونه بارزی از جنگیدن خدا برای ماست. اما یهوشافاط تقریباً در جایگاه دوم قرار دارد تا نشان دهد که چگونه خدا برای ما می‌جنگد.

این دکتر آگوست کانکل است در تدریسش در مورد کتاب‌های تواریخ. این جلسه ۱۸ است، خدا برای ما می‌جنگد، جنگ مقدس.